



انجمن علمی فقه‌برای تطبیق ایران



فصلنامه فقه‌برای تطبیق

Volume 1, Issue 3, 2021

A Study on the Equality of Blood Money for Men and Women

Masoumeh Kazemi Nasab¹, Seyed Mohsen Razmi*², Abbasali Soltani³, Abolhasan Soltani⁴

1. PhD Student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

4. Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 91-99

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3853-5348

TELL: +989155003695

Email: razmi0109@mshdiau.ac.ir

Article history:

Received: 08 Jun 2021

Revised: 24 Jul 2021

Accepted: 16 Aug 2021

Published online: 23 Sep 2021

Keywords:

Blood Money,
Men, Women, Equality.

ABSTRACT

The amount of Diyah in Islamic jurisprudence is specified by Shar'a. Its determination also conforms to its own three rules. However, the difference in the amount of it based on the gender of victim is itself disputed by jurists. The famous opinion confirms the equality of blood money for men and women up to one-third, and more than that, it causes the amount of Diyah to fall by half. According to the opposite view, in the Qur'an, Diyah is mentioned only in one verse and there is no mention of men and women and the difference between their Diyah. Hadiths cited by well-known jurists are also contrary to common sense in addition to problems in the text. However, there is a consensus about woman's blood money towards the man.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Kazemi Nasab, M; Razmi, SM; Soltani, A & Soltani, A (2021). "A Study on the Equality of Blood Money for Men and Women". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(3): 91-99.

مقدمه

مقدار دیه در فقه اسلامی از طرف شارع معین شده است. از ناخن تا موی سر، و از سیلی زدن تا کشتن. در کشتن کسی و آنچه در حکم کشتن است، مثل از بین بردن منافع اعضاء و حواس آنها از قبیل مایل کردن دید چشم و شنوایی گوش، دیه کامل واجب است. دیه نفس، یک دیه کامل است و در کشتن نفس واجب می‌گردد، چه کشتن حقیقی و چه کشتن حکمی. زیرا زایل کردن بعضی منافع که حیات انسان به آن بستگی دارد در فقه اسلامی حکم کشتن را دارد و از این رو در آن دیه کامل ثابت است. (شافعی، ۱۳۷۷: ۱۷۷)

در فقه امامیه بنا بر آنچه مشهور است در هیجده مورد دیه اعضا تعیین شده است: موی سر، چشم، بینی، گوش، لب، زبان، دندان، گردن، فک، دست، انگشتان، پشت کمر یا ستون فقرات، نخاع، پستان، آلت تناسلی مرد، آلت تناسلی زن، دو گوشتی که مانند دو لب فرج را احاطه کرده است، باسن و پا. (طوسی، بی تا: ۱۱۲)

در غیر قتل نفس و غیر زایل کردن منافع، در قطع جوارح و اعضای انسان نیز طبق شرایط، دیه کامل واجب می‌شود. این به آن جهت است که زندگی انسان با نبودن عضو از جهتی دچار فنا و نابودی می‌شود و از دست می‌رود زیرا منافع انسان در زندگی متنوع و گوناگون است و انسان از راه عضو معینی می‌تواند به هر یک از آن منافع دست یابد.

در وجوب دیه و توزیع آن بر اعضای بدن سه قاعده کلی وجود دارد: قاعده نخست مورد اجماع ائمه اجتهاد و فقهای مذاهب این است که قطع هر عضوی که نوع منفعت یا جمال مقصود در انسان را به طور کامل از بین ببرد موجب دیه کامل است. (شافعی، ۱۳۷۷: ۱۹۵)

قاعده دوم این است که هرچه در بدن منحصر به فرد باشد، خواه عین باشد مثل زبان و خواه منفعت مثل حس بویایی دیه‌اش دیه نفس خواهد بود و اگر جفت باشد مثل چشم، یا گوش، دیه‌اش مجموعاً دیه کامل خواهد بود یعنی برای هر یک از دو عضو مشابه نصف دیه کامل می‌باشد و اگر ده تا باشد مثل انگشتان دست برای هر کدام یک دهم دیه نفس است یعنی برای مجموع آنها دیه کامل خواهد بود. (نجفی، ۱۴۱۲: ۱۱۲/۴۲)

قاعده سوم این است که هیچ دیه معینی از دیه معین دیگر تبعیت نمی‌کند و میان آنها تداخل پیدا نمی‌شود مگر در قتل نفس؛ زیرا در مرگ (علاوه بر نفس) همه منافع و همه معانی از میان می‌روند و عوض مالی (دیه) منافع و معانی با دیه نفس تداخل پیدا می‌کند و فقط یک دیه واجب می‌شود که همان دیه نفس است، در اینجا گوییم تابع در متبوع داخل شده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۹۵)

۱- حکم دیه در قرآن

در قرآن کریم، فقط در یک آیه از دیه نام برده شده است؛ در این آیه هم اسمی از زن و مرد و تفاوت دیه آنها به میان نیامده و البته مقدار دیه هم تعیین نشده، همچنین فقط دیه نفس، یعنی دیه مربوط به کشتن انسان به صورت خطا ذکر شده و همین اندازه مقرر شده که مبلغی به عنوان دیه باید به خانواده مقتول پرداخت شود و تصریحاً بین زن و مرد از لحاظ مقدار دیه صحبتی به میان نیامده است. البته الفاظ به کار رفته در مورد مقتول به صورت مذکر (و من قتل مؤمناً...) آمده و شأن نزول آیه هم در موردی است که کسی مردی را به قتل رسانده ولی پیدا است که این نوع بیان نمی‌تواند دلیل باشد بر اینکه عنایت قرآن فقط به مرد بوده و زنان مشمول حکم نیستند و در این گونه خطابات، اگر لفظ مذکر هم به کار رفته باشد، منظور جنس است و علی‌القاعده شامل زن و مرد

(مؤمن) می‌گردد مگر اینکه قرینه خاصی دلالت بر این اختصاص نماید. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۶۰)

مفاد این آیه چنین است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنَّ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا».

«هیچ مؤمنی حق نداشته و ندارد که مؤمن دیگری را بکشد مگر آنکه از روی خطا باشد و هر کس مؤمنی را از روی خطا کشت، باید یک برده، آزاد کند و دیه کشته را تسلیم اهلیش کند؛ مگر اینکه گیرندگان دیه گذشت کنند و اگر کشته از قوم دشمن شما باشد، کشنده باید یک برده، آزاد کند و اگر کشته از قومی باشد که بین شما و ایشان پیمان است باید قاتل، دیه مقتول را تسلیم اهلیش کند و یک برده هم آزاد نماید و اگر کسی توانایی نداشته باشد دو ماه متوالی روزه بگیرد». (نساء/۹۲)

صاحب تفسیر المنار هم می‌گوید: «در قرآن دیه به طور مطلق و به صورت نکره آمده و ظاهرش آن است که هر مقدار خانواده مقتول را راضی کند، کافی است ولی سنت (روایات)، میزان دیه را تعیین کرده و بدان‌گونه که معروف و مقبول نزد عرب بوده، مقدار آن را مشخص کرده است و به هر حال اجماع مسلمین است که دیه مرد مسلمان آزاد، یکصد شتر است و دیه زن نیز نصف دیه مرد است. ولی ظاهر آیه این است که فرقی بین زن و مرد نیست». (حسینی، ۱۹۹۰: ۲۶۴)

از بین فقهای صاحب فتوا و رساله، آیت‌الله صانعی در این مورد معتقد است: «به نظر اینجانب دیه خطا و شبه عمد زن با مرد مساوی است. قضاء لاطلاق ادله و عدم دلیل بر تقیید...». همچنین در قرآن کریم شاهد و گواهی بر نابرابری وجود ندارد، بلکه اصول و قواعد کلی اسلامی نیز بر برابری گواهی می‌دهند. (صانعی، ۱۳۸۴: ۱۵) چنانکه مفسران گفته‌اند این

آیه در شأن نزول «عیاش بن ابی ربیعہ المخزومی» برادر مادر ابو جهل نازل شده است. جریان از این قرار بوده که او «حارث بن یزید بن نبیسه» را که در گذشته او را به جهت اسلام آوردنش شکنجه می‌داد، به گمان اینکه هنوز ایمان نیاورده و کافر است، به قتل می‌رساند و سپس نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌رود و جریان را نقل می‌نماید که آیه فوق نازل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۵۴/۱۵)

۲- حکم دیه در سنت و روایات

بعد از قرآن کریم، سنت (قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و معصومین و گاه قول و فعل و تقریر خلفای راشدین در اهل سنت عامل مرجعیت می‌باشد. (شافعی، ۱۳۷۷: ۱۱۶) در روایات مختلف از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار از یک سو میزان دیه تعیین شده و از سوی دیگر مقدار دیه زن و نصف بودن آن نسبت به دیه مرد در برخی از آنها ذکر شده است.

۲-۱- روایات نابرابری دیه زن و مرد

روایاتی که مورد استناد برای نابرابری دیه قرار گرفته‌اند در سه گروه دسته‌بندی می‌شوند:

- دسته‌ای این مطلب را با دلالت مطابقی اثبات می‌کنند.
- دسته‌ای دیگر با دلالت التزامی بر این رأی گواهی می‌دهند.
- دسته سوم روایاتی هستند که دلالت دارند دیه اعضای زن و مرد تا یک سوم برابر است و پس از آن نصف می‌شود. (صانعی، ۱۳۸۴: ۹۱)

روایاتی نیز بر برابری در مقدار دیه زن و مرد مسلمان و غیرمسلمان دلالت روشن دارند و در آنها تبعیض و تفاوتی دیده نمی‌شود. این روایت‌ها را شیخ حر عاملی در ابتدای کتاب الدیات از کتاب وسائل الشیعه آورده است که تعداد آنها

چهارده حدیث است و در میان آنها روایت‌های معتبر نیز بسیار زیاد است. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲۱/۵)

۱-۲- روایات نابرابری دیه زن و مرد با دلالت مطابقی

روایاتی که نابرابری دیه را با دلالت مطابقی اثبات می‌کنند پنج حدیث‌اند:

روایت اول؛ امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود: دیه زن نصف دیه مرد است. این روایت گرچه از جهت دلالت تمام است و هیچ خدشه‌ای در آن راه ندارد ولی از جهت سند، با مشکل مواجه است و پس از تعارض جرح و تعدیل، اقوی ترک عمل به این روایت است. (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۴۵/۲۷)

روایت دوم؛ از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی سؤال شد که زنی را به اشتباه بکشد و او در حال زایمان باشد امام صادق فرمود پنج هزار درهم به عنوان دیه زن بر مرد است و برای فرزند یک برده مرد یا زن یا چهل دینار تعلق می‌گیرد. (صدوق، بی‌تا: ۲۱۱/۴)

روایت سوم؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: دیه جنین دارای پنج مرحله است؛ یک پنجم برای هنگامی که نطفه بسته می‌شود؛ یعنی بیست دینار، دو پنجم برای هنگامی که تبدیل به خون بسته شود؛ یعنی چهل دینار، سه پنجم برای هنگامی که تبدیل به گوشت جویده شود؛ یعنی شصت دینار، چهار پنجم هنگامی که استخوان روید؛ یعنی هشتاد دینار، وقتی جنین کامل شد، دیه آن یکصد دینار است و اگر روح در آن دمیده و مذکر باشد، دیه آن هزار دینار یا ده هزار درهم است و اگر مؤنث باشد، دیه آن پانصد دینار خواهد بود و اگر زن بارداری کشته شود و دانسته نشود که فرزندش پسر است یا دختر، دیه فرزند نصف دیه پسر و نصف دیه دختر در نظر گرفته شود و دیه زن کامل است. (کلینی، ۱۳۷۷: ۲۵۱۳۸/۴)

روایت چهارم و پنجم؛ در خصوص دیه جنین پسر و دختر می‌باشد که اگر پسر باشد هزار دینار و اگر دختر باشد پانصد دینار است از جهت سند و دلالت مشکلی ندارند؛ اما ایراد کلی مخالفت با کتاب و سنت در آنها جاری است. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۳۲/۵)

۲-۲- روایات نابرابری دیه زن و مرد با دلالت التزامی

تعداد این روایت‌ها در کتب معتبر به پانزده روایت می‌رسد و از این میان، نزدیک به ده حدیث آن دارای سند معتبر است. مضمون این روایت‌ها چنین است که اگر مرد آزادی در برابر زن آزاده‌ای قصاص شده و به قتل رسیده، باید نیمی از دیه به خانواده مرد مقتول پرداخت گردد. معنای این سخن چنین است که دیه زن نصف دیه مرد است و گرنه وجهی برای پرداخت نیمی از دیه وجود نداشت. (مجلسی، ۱۳۷۸: ۲۶۲/۲۷)

برخی از این روایت‌ها از این قرار است: عبدالله بن سنان می‌گوید: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که همسرش را به عمد بکشد، فرمود: اگر خانواده زن بخواهند مرد را بکشند، می‌توانند و باید به خانواده مرد نصف دیه را بپردازند، و اگر بخواهند می‌توانند نصف دیه را، یعنی پنج هزار درهم، از خانواده مرد بگیرند و از کشتن وی صرف‌نظر کنند. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۵) و روایت‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از همان باب ۳۳ بر این مطلب دلالت دارند.

۳-۲- روایات برابری دیه زن و مرد تا ثلث

در مورد مقدار دیه عضو و وضعیت آن در مورد زن و مرد دو نوع روایت دیده می‌شود، و در برخی از روایات منقوله اصولاً دیه عضو زن همانند دیه نفس، نصف دیه مرد شمرده شده است، از جمله در روایتی که ابی مریم از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده آمده است که جرح وارده به زنان در هر

عرض کردم: نظر شما در مورد مردی که یک انگشت از انگشتان زنی را بریده است چیست، دیه آن چقدر است؟ فرمود: ده شتر، گفتم: اگر دو انگشت بریده باشد؟ فرمود: بیست شتر، پرسیدم: اگر سه انگشت بریده باشد چه؟ فرمود: سی شتر، باز گفتم اگر چهار انگشت را بریده باشد چه؟ فرمود: بیست شتر، گفتم: منزه است خدا! چگونه است که وقتی که سه انگشت را می برد بر او سی شتر لازم می آید، ولی وقتی چهار انگشت را می برد بیست شتر؟! ما زمانی که در عراق بودیم این موضوع را شنیدیم بودیم، اما از کسی که چنین حرفی زده بود بیزاری جستیم و گفتیم: این از القائنات شیطان است. سپس امام فرمود: آهسته باش ای ابان! آنچه گفتم حکم پیامبر خدا (ص) است. زن تا یک سوم دیه با مرد برابر است، اما هنگامی که دیه به یک سوم رسید، دیه او به نصف برمی گردد. ای ابان، تو با من از در قیاس وارد شدی، و هرگاه قیاس در سنت راه یابد، دین نابود می شود. (صدوق، بی تا: ۲۲۱/۴)

در روایت سوم گرچه مشهور فقهای شیعه روایت ابان را صحیح می دانند، لیکن در متن و سند آن ایراد و اشکال هایی وجود دارد که اعتبار آن را از نظر عقلا خدشه دار می سازد. این حکم برخلاف قواعدی است که از مسلمات فقه به شمار می روند مانند این قاعده که اگر عضوی در بدن واحد باشد دیه کامل و اگر جفت باشد هر یک از آنها نصف دیه کامل را دارا می باشد. بر این اساس دیه دست، نصف دیه یک انسان است و وقتی بخواهیم این نصف را تقسیم بر انگشتان یک دست کنیم دیه قطع یک انگشت زن پنج شتر می شود و دیه دو انگشت وی ده شتر و دیه سه انگشت پانزده شتر، اما مطابق فتوای مشهور دیه هر انگشت ده شتر است وقتی به ثلث برسد دیه آن به نصف برمی گردد. بنابراین فتوای مشهور فقها با اصل یاد شده مطابقت ندارند. گذشته از این حکم مزبور به خلاف عقل است، زیرا عقل به طور قطع حکم

موردی نصف جرح وارده به مردان می باشد. یعنی دیه جرح زن در هر مرحله ای نصف دیه مرد است. در بعضی از منابع اهل سنت نیز نقل شده است که علی (علیه السلام) فرمود: دیه زن در هر حال چه در نفس و چه در نقص عضو و جرح به هر مقدار باشد، نصف دیه مرد است. (مه‌ریور، ۱۳۷۹: ۲۶۸)

اما فقها با توجه به مفاد روایت صحیحی که در این زمینه وارد شده به اطلاق روایت یاد شده، توجه نکرده و آن را بر مواردی حمل کرده اند که دیه آنها از یک سوم بیشتر باشد. این روایتها دلالت دارند که دیه قطع اعضای زن، برابر با مرد است تا زمانی که به یک سوم دیه نرسد و هرگاه به یک سوم رسید، دیه زن نصف می شود. اضافه بر یک سوم، شامل دیه جان هم می شود که باید نصف گردد. (صانعی، ۱۳۸۴: ۴۸)

پنج روایت مشهور بر این امر دلالت دارند:

روایت اول؛ ابوبصیر از امام صادق نقل کرده: جراحات زن و مرد، تا زمانی که به یک سوم دیه برسد، یکسان. اما زمانی که از این مقدار گذشت، دیه جرح مرد نسبت به دیه جرح زن دو برابر می شود. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۳۳/۵)

روایت دوم؛ در روایتی حلبی از امام صادق (ع) چنین نقل می کند: دیه انگشت زن برابر با دیه انگشت مرد است تا این که جراحاتها به یک سوم دیه برسد. وقتی بدان پایه رسید، دیه مرد دو برابر دیه زن می شود. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۳۴/۵)

روایت اول و دوم، به دیه در موارد عمد و قصاص اختصاص دارد و شامل دیه خطایی نمی شود و نمی توان از موارد عمد و قصاص به موارد خطا، تعدی کرد و الغای خصوصیت نمود؛ چون حق قصاص در عمد وجود دارد و ممکن است کاستی دیه به خاطر داشتن حق قصاص باشد.

روایت سوم؛ روایت مشهوری چون روایت ابان بن تغلب که مطابق این روایت چنین نقل می کند: به امام صادق (ع)

می‌کند که دیه چهار انگشت باید بیشتر از دیه سه انگشت باشد و اگر بیشتر نباشد کمتر از آن باشد. (صانعی، ۱۳۸۴: ۵۲)

در روایت ابان، عبدالرحمان بن حجاج قرار گرفته و نسبت به وی تردید وجود دارد. زیرا شیخ صدوق در مشیخه من لایحضره الفقیه می‌گوید: ابوالحسن فرمود: عبدالرحمان بر قلب من سنگینی می‌کند و بعضی او را تأیید کرده و بعضی دیگر وی را مورد رد قرار داده‌اند.

سخن امام در پاسخ به ابان که «اگر سنت با قیاس سنجیده شود دین و شریعت از میان خواهد رفت»، نشان می‌دهد که ابان از حرمت قیاس و آثار زیان‌بار آن بی‌اطلاع است. ولی آیا می‌تواند در مورد ابان، با آن منزلت و مقام علمی و فقهی چنین چیزی را احتمال داد؟ به طوری که او فقیه و محدثی بزرگ بوده که سی هزار حدیث روایت کرده و در قرآن، فقه و ادبیات صاحب‌نظر بوده است.

تعجب ابان از این روایت یک امر عقلایی و طبیعی است، زیرا محتوای پاسخ‌های قبلی چنین است و اگر این تعجب به پایه فحوای سخن متکلم باشد چگونه از سوی امام مورد اعتراض قرار می‌گیرد و متهم به قیاس می‌شود چراکه فحوای ادله شرعی در فقه، ستون استنباط و استدلال و سنگ آسیای اجتهاد و فقاهاست به شمار می‌رود و فحوای دلیل همان‌الغای خصوصیت و تنقیح مناط است که عرف آن را از مناصب حکم و موضوع و جهات دیگر به دست می‌آورد و در حقیقت تمسک به فحوا تمسک به دلیل لفظی است. و گذشته از همه اینها، روش قرآن کریم و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اقناع مخاطبان، به‌ویژه شخصیت‌های علمی و فقیهان است. قرآن کریم با آنکه خود بیان است: «هذا بیان للناس»؛ این قرآن برای مردم بیانی است، به پیامبر دستور می‌دهد که همین بیان را برای مردم در آیه ۴۴ سوره نحل، تبیین می‌کند: «و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهیم؛ و این قرآن را به سوی

تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی». حال، آیا می‌توان گفت در جایی که پرسش جدی در ذهن فقیهی چون ابان شکل گرفته امام به جوابی اسکاتی قناعت ورزد؟! خلاصه اینکه روایت ابان با وجود ایرادها و خللهایی که در متن آن دیده می‌شود حجیت عقلایی ندارد و نمی‌تواند مستند فتوا قرار گیرد. (صانعی، ۱۳۸۴: ۵۷)

به هر حال فقها و از جمله مقدس اردبیلی با همه ایراد و تردیدی که نسبت به این حکم بدیع داشته و حتی در اعتبار سند آن هم به خاطر وجود عبدالرحمان بن حجاج در سلسله روایات تشکیک نموده، به نظر می‌رسد آن را پذیرفته و تعبداً قبول کرده است. در حالی که قبول تعبدی احکام نوعی، آن هم در زمینه مسائل اجتماعی، بدون اینکه بتوان برای آن توجیه عقلی منطقی یافت، صحیح به نظر نمی‌رسد و با روح بیان احکام اسلامی که مبتنی بر مصالح مردم و جامعه است و آن مصلحت نمی‌تواند یک امر دست نیافتنی و نامکشوف باشد، سازگاری ندارد. (مهرپور، ۱۳۷۹: ۲۷۲)

۳- اجماع

دلیل دیگری که بر نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد اقامه شده، اجماع فقهای شیعه و اهل سنت است. در این مورد هم فقهای متأخر و هم فقهای مقدم با اجماع بر نصف دیه بین زن و مرد تأکید دارند.

شیخ محمد حسن نجفی، مؤلف جواهرالکلام، نیز نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد را امری اجماعی، و مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی دانسته و در این باره می‌گوید: در هر حال، دیه قتل زن آزاد مسلمان، خواه کوچک باشد خواه بزرگ، خواه عاقل باشد، خواه دیوانه، خواه از سلامت اعضا برخوردار باشد، خواه نباشد از هر کدام از اجناس یاد شده که پرداخت شود چه در قتل عمد و چه در قتل شبه عمد و خطای محض

بر او لازم است که پنجاه شتر به آنها بپردازد. زیرا دیه زن، نصف دیه مرد است. (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۴۱/۲۴) ابن ادریس، محقق حلی، علامه حلی چون سایر فقهای شیعه دیه زن را در موارد قتل نصف دیه مرد می‌دانند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲۵۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲۱۱؛ علامه حلی، بی‌تا: ۷۲۱) و همچنین فقهای متأخر شیعه چون فاضل هندی در کشف اللثام، سیدعلی طباطبایی در ریاض المسائل و شیخ محمدحسن نجفی در جواهرالکلام، همچون فقهای متقدم شیعه در اینکه دیه زن، چه در قتل و چه تلف عضو و جراحات نصف دیه مرد است، با یکدیگر اتفاق نظر دارند. (فاضل هندی، بی‌تا: ۱۱۵/۴؛ طباطبایی، ۱۱۹۲: ۲۵۴؛ نجفی، ۱۴۱۲: ۳۲۵/۴۲)

نتیجه‌گیری

علیرغم اختلاف نظری که در میان فقها درخصوص برابری دیه زن و مرد بیش از ثلث دیه کامل وجود دارد، نظر مشهور مطابق با اجماع می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده نخست و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط سایر نویسندگان این مقاله صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

نصف دیه مرد است. در این موضوع هیچ اختلافی و هیچ اشکالی نه در روایات و نه در فتوی وجود ندارد بلکه هر دو نوع اجماع (محکمی و محصل) بر این موضوع اقامه شده و حتی اجماع محکمی (منقول) در اینجا همانند نصوص مستفیض و یا متواتر است و از این بالاتر همه مسلمانان در این موضوع وحدت نظر دارند و تنها ابن علی و اصم گفته‌اند که دیه زن مانند مرد است اما اجماع هم در قبل و هم در بعد از زمان این دو برخلاف آنچه آنها گفته‌اند منعقد شده است و به علاوه کسانی که اجماع امت را در این زمینه نقل کرده‌اند نه اعتنایی به مخالفت آنها کرده و نه اشاره‌ای به آنها نموده‌اند بنابراین در اینجا هیچ اثری بر مخالفت آنها مترتب نیست. با این توضیحات دیه زن پنجاه شتر و یا پانصد دینار خواهد بود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۲۰)

از میان فقهای متقدم شیخ طوسی در کتاب الخلاف، نصف بودن دیه زن را اجماعی دانسته و استدلال می‌کند که «عمرو بن حزم» از پیامبر که سلام خدا بر او باد، روایت کرده که دیه زن نصف دیه مرد است و «معاذ» هم مشابه همین را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده و گفته است: اجماع امت بر این موضوع قرار گرفته است. مطالب یاد شده از «علی (علیه السلام)»، «ابن عباس» و «زید بن ثابت» نیز روایت شده و کسی هم با آنها مخالفت نکرده است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۵/۵) و امام خمینی در تحریرالوسیله گفته است: «دیه زن مسلمان آزاد نصف دیه مرد مسلمان آزاد است.» (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۵۵۳/۲) و در مفتاح الکرامه آمده است: «اما دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است و این حکم اجماعی است چنان که در مبسوط آمده است.» (حسینی عاملی، بی‌تا: ۲۵۱)

شیخ مفید در کتاب المقنعه در باب دیه قتل می‌گوید: هنگامی که مردی از روی عمد زنی را به قتل می‌رساند، اگر بستگان زن دریافت دیه را انتخاب کنند و قاتل نیز بدان رضایت دهد،

منابع و مأخذ

- ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰). *السرائر*. قم: النشر الاسلامی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، تهران: مکتب علمی اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی عاملی، محمد جواد (بی تا). *مفتاح الکرامه*. قم: جامعه مدرسین.
- حسینی، محمد (۱۹۹۰). *تفسیر المنار*. مصر: الهیئات المصریه.
- شافعی، محمد بن ادریس (۱۳۷۷). *کتاب المسند*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۰). «دیات و خسارت‌های ناشی از صدمات بدنی». *پژوهش و حوزه*، ۷: ۱۶-۲۸.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. جلد پنجم، قم: جامعه مدرسین.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *المبسوط*. تصحیح و تعلیق سید محمدتقی کشفی، بیروت: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
- شیخ مفید، محمد (۱۴۱۰). *المقنعه*. جلد بیست و چهارم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۷). *برابری دیه*. قم: فقه الثقلین.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (بی تا). *من لایحضره الفقیه*. قم: قمی
- طباطبائی، سید علی (۱۱۹۲). *ریاض المسائل*. قم: آل البیت.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- فاضل هندی، محمد (بی تا). *کشف اللثام*. قم: جامعه مدرسین.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۳۷۷). *اصول کافی*. باب اضطرار الحجّه. تهران: انتشارات سمت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۸). *بحار الانوار*. بیروت: انتشارات مؤسسه الوفا.
- محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۹). *شرایع الاسلام*. چاپ دوم، تهران: انتشارات استقلال.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *القواعد الفقهیه*. قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین.
- مهر پور، حسین (۱۳۷۸). «بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن». *فصلنامه متین*، ۲: ۳۵-۶۴.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: مؤسسه المرتضی العالمیه.